

بررسی فقهی - حقوقی منع جمع دو خواهر در ازدواج

مهدی کمالی^۱

^۱مدرس، دانشگاه پیام نور، مرکز ایلام، ایلام، ایران

نویسنده مسئول:

مهدی کمالی



چکیده

ازدواج با دو خواهر از جمله مسائل مهمی است که در حقوق ایران و فقه اسلامی درباره آن سخن گفته شده است. حقوق ایران ازدواج با دو خواهر را ممنوع اعلام کرده است و در این رابطه بیان می‌دارد که «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد. همان‌طور که مشخص است ازدواج با خواهر زن، حال ازدواج تحت هر شکل و نوعی که انجام گرفته باشد، باطل و ممنوع است. کسی نمی‌تواند همزمان با دو یا چند خواهر ازدواج کند. لذا اگر مردی با زنی ازدواج نماید، تا زمانی که از وی جدا نشده نمی‌تواند با خواهرش ازدواج کند که البته در این مورد خواهرزن، محرم شرعی که ملزم به رعایت حجاب نیست، نخواهد بود. بلکه از این جهت نامحرم است. قابل ذکر است اگر مردی زنش را طلاق رجعی (طلاق) که مرد می‌تواند باز زن را به ازدواج خود در آورد) دهد، چون در این نوع طلاق در عده قانونی (مدتی که زن پس از طلاق یا فوت شوهر نباید ازدواج کند)، زن همانند زوجه مرد فرض می‌شود، تا پایان عده، حق ازدواج با خواهر زن وجود ندارد ولی در سایر طلاق‌ها یا عده‌ی عقد موقت، می‌توان در ایام عده با خواهر زن ازدواج کرد. در فقه اسلامی نیز ازدواج با دو خواهر ممنوع اعلام شده است. شاید حکمت و فلسفه این که اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، چنان که در ازدواج با دختر برادر زن و دختر خواهر زن رضایت و اجازه زن را شرط دانسته است. لازم به ذکر است اگر ازدواج با دو خواهر یا بیشتر به صورت جمع، یعنی در یک زمان نباشد، اشکال ندارد. به بیانی دیگر هرگاه مردی زنی را برای خود عقد کند، تا وقتی که زن در عقد اوست، نمی‌تواند با خواهر وی ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت. حتی بعد از طلاق تا وقتی که در عده است (در صورتی که عده رجعی باشد) نمی‌تواند خواهر او را بگیرد، اما هنگامی که همسرش را طلاق داد، یا از دنیا رفت و عده او تمام شد، می‌تواند با خواهر وی ازدواج کند.

کلمات کلیدی: احکام حقوقی، دو خواهر، ازدواج، فقه.

مقدمه

ازدواج در اسلام، همانند دیگر پدیده های اجتماعی، قانونمند و دارای اصول مسلمی است که باید رعایت شود. اگر آفریننده انسان در وجود وی شهوت جنسی قرار داده و هماهنگ با تکوین، در تشریح، ازدواج را مقرر کرده است، این گونه نیست که مرد بتواند با هر زنی پیمان زناشویی ببندد، و یا هر زنی بتواند با هر مردی ازدواج نماید؛ از این رو قرآن فهرستی از افرادی که زناشویی با آن ها ممنوع است، ارایه می کند. در شرع مقدس اسلام ازدواج، هم زمان با دو خواهر جایز نیست. لازم به ذکر است اگر ازدواج با دو خواهر یا بیشتر به صورت جمع، یعنی در یک زمان نباشد، اشکال ندارد. به بیانی دیگر هرگاه مردی زنی را برای خود عقد کند، تا وقتی که زن در عقد اوست، نمی تواند با خواهر وی ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت. حتی بعد از طلاق تا وقتی که در عده است (در صورتی که عده رجعی باشد) نمی تواند خواهر او را بگیرد، اما هنگامی که همسرش را طلاق داد، یا از دنیا رفت و عده او تمام شد، می تواند با خواهر وی ازدواج کند.

شاید حکمت و فلسفه این که اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، چنان که در ازدواج با دختر برادر زن و دختر خواهر زن رضایت و اجازه زن را شرط دانسته است. ثانیاً: دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی توانند علاقه گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آن ها پیدا می شود که برای زندگی زیان بار است و اساس خانواده را از هم می پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه ی محبت و رقابت در وجود آن ها در کشمکش است. ثالثاً: ازدواج با شوهر خواهر با طبع زنان که شوهر خواهر را از خود می دانند و با آنان احساس خویشاوندی می کنند، سازگار نیست.

اگر چه در جای خود ثابت شده است که احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد وضع شده اند، ولی کشف مصالح و مفاسد در جزئیات و مصادیق، بسیار مشکل است. زیرا اولاً: نیازمند داشتن امکانات وسیع، در ابعاد مختلف علمی است. ثانیاً: بشر هر قدر از نظر علم و صنعت پیشرفت کند، باز معلومات او در برابر مجهولاتش، قطره ای است در برابر دریا "جز اندکی از دانش به شما داده نشده است. شاید علت بیان نکردن فلسفه ی تمام احکام، از سوی اولیای دین، این بوده که بیان تمام اسرار احکام برای انسان هایی که بسیاری از حقایق علمی هنوز برایشان کشف نشده، مانند گفتن معماست که چه بسا موجب تنفر شنوندگان می گردد. مضافاً این که مؤمنان چون اطمینان و یقین دارند به این که دستورات دینی، از کسانی صادر می شود که علم و آگاهی آنان خطاناپذیر است، پس یقین به اثربخشی و مفید بودن این دستورات دارند.

تعریف نکاح

نکاح یا همان ازدواج در قانون مدنی ایران تعریف مشخصی ندارد و شاید بدهات این امر موجب شده تا قانونگذار خود را ملزم به این تعریف ننماید ولی شاید متنوع بودن آثار و نتایج نکاح و مفقود بودن ارکان و عناصر اصلی در این امر مزید بر علت بوده است. نکاح در لغت به معنی ضم و پیوستن است و در اصطلاح حقوقی آن را چنین تعریف می کنیم: «نکاح قراردادی است که به موجب آن مرد و زن در زندگی با هم شریک و متحد شده، خانواده ای تشکیل می دهند». بر این تعریف این اشکال ممکن است واقع شود که این تعریف جامع نیست از آن جهت که شامل نکاح موقت نمی شود ولی می توان در پاسخ چنین گفت که در ازدواج موقت نیز نوعی تشکیل خانواده مد نظر است، این نوع نکاح از لحاظ استحکام خانواده مانند ازدواج دائم نسیت و تعاون و همبستگی در نکاح دائم به مراتب بیشتر از نکاح موقت است. (حبیبی تبار ۱۳۸۳، ۴۱).

بعضی از اساتید و بزرگان حقوق در تعریف نکاح چنین گفته اند: «نکاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می شود و به آنها حق می دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند». اشکالی که بر این تعریف وارد است این که تمتع جنسی جزء ماهیت نکاح نیست و اگر نکاح فاقد این مؤلفه باشد باز هم نکاح تحقق می یابد. برای مثال می توان به ازدواج موقتی اشاره کرد که در آن شرط عدم تمتع جنسی به عنوان شرط ضمن عقد قید شده است و چون عقد نکاح از عقود لازم است طرفین ملزم هستند که از این شرط ضمن عقد تبعیت نمایند.

البته تمتع جنسی از اغراض نکاح و شاید بتوان گفت که از مهمترین اغراض نکاح است ولی غرض منحصره نکاح نیست و اغراض دیگری مانند توالد و تناسل نیز جزء اغراض نکاح است ولی جزء ماهیت نکاح نیست و بدون هر کدام از آنها نکاح پدید می آید. حقوقدانان اسلامی نکاح را این گونه تعریف کرده اند: «نکاح عقدی است که به نحوه مشروع امکان استمتاع را به هر یک از زوجین می دهد» اگر استمتاع در این تعریف عام و کلی باشد و هرگونه استمتاع را شامل شود این تعریف درستی از نکاح خواهد بود.

انواع نکاح

الف) نکاح دائم (ب) نکاح منقطع

الف) نکاح دائم

همان طوری که در خصوص تعریف نکاح اذعان شد، نکاح رابطه‌ای است زناشویی که ما بین دو جنس مخالف زن و شوهر منعقد می‌گردد و در این نکاح که به صورت دائمی و ابدی می‌باشد هر دو نفر زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند و تمامی احکام ازدواج در این خصوص همانند نفقه، عده، ارث، مهریه جاری می‌گردد

ب: نکاح منقطع یا موقت یا متعه

این نکاح بر خلاف نکاح دائم به صورت موقت می‌باشد و در این نکاح تعیین مدت شرط نکاح می‌باشد. اما همانند نکاح دائم یک نوع ازدواج و همسری است و هر ۲ نوع مشمول عنوان زوجیت بوده و بسیاری از احکام و آثار مشترکند و تنها در موارد محدودی با هم متفاوتند، بنابراین این اختلاف یک نوع اختلاف اصولی وجودی نیست، بلکه از قبیل تفاوت اصناف یک نوع است با حفظ وحدت حقیقت مثل کلمه انسان برای زن و مرد، چنانکه این اصناف خصوصیات در سایر تعهدات مشترک انسانها نیز وجود داشته و امری طبیعی می‌نماید. (زرگرنژاد ۱۳۸۹، ۵۸).

مهم ترین موانع نکاح**۱- نکاح با محارم نسبی**

نکاح با محارم نسبی ممنوع است یعنی انسان نمی‌تواند از زنان محرم فامیل خواستگاری کند. به تصریح ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی با اقتباس از آیه ۲۳ سوره نساء در مقام تبیین "قربان نسبی" و انواع آن، ازدواج هفت دسته از زنان را بر مردان حرام و نکاح میان ایشان را ممنوع دانسته است.

این هفت گروه عبارت است از: مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر. بنابراین ازدواج مرد با مادر یا خواهر یا دختر و ... متعلق به وی ممنوع دانسته شده است.

۲- نکاح با محارم سببی

نکاح با محارم سببی ممنوع است. محارم سببی کسانی هستند که ازدواج با آنان به دلیل وجود خویشاوندی سببی حرام است. این محارم به دو گروه اصلی قابل تقسیم هستند:

الف. کسانی که نکاح با آنها در هر حال و برای همیشه حرام است، هر چند که زوجین نیز از هم جدا شوند. به موجب ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی به مجرد عقد نکاح بین یک زن و مرد، مادر و جدات آن زن بر مرد حرام ابدی می‌گردند. هم چنین نکاح با زن پدر و زن اجداد و یا نکاح با زن پسر یا زن احفاد نسبی و رضاعی وی نیز ممنوع است. ازدواج مرد با اناث از اولاد زن نیز مشروط بر آنکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد نیز منتفی دانسته شده است.

ب. نکاح با کسانی که جمع بین آنها ممنوع است. چون در حقوق ما مرد می‌تواند بطور استثنایی زنان متعدد اختیار کند، نکاح با پاره‌ای از زنان به خاطر جمع شدن با زنان دیگر ممنوع شده است. این زنان عبارتند از: نکاح با دو خواهر (ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی) و نیز نکاح با برادرزاده و خواهر زاده زن (ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی). نکاح همزمان دوخواهر ممنوع است اگرچه نوع عقد، موقت باشد. هم چنین هیچکس نمی‌تواند دختر برادرزن و یا دختر خواهرزن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود. (بیگدلی ۱۳۹۲، ۱۶).

نکاح با محارم رضاعی: قربان رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قربان نسبی است. بنابراین مرد نمی‌تواند از خواهر رضاعی خود خواستگاری نماید. بر اساس ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند به عبارت دیگر هیچ تعهدی مبنی بر ازدواج برای دو طرف شکل نمی‌گیرد. حتی اگر تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد. بنابراین هریک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا به دلیل انصراف از ازدواج از او طلب خسارت بکند.

شوهر داشتن زن: زن شوهردار نمی‌تواند ازدواج کند و نکاح دیگری با او خواه آگاه از این مانع بوده و یا جاهل به آن، باطل است. پس اگر مردی ندانسته با زن شوهردار نکاح کند و زن نیز به گمان مرگ شوهر خود به ازدواج دوم رضا دهد، نکاح باطل و رابطه بین آن دو تابع قواعد نزدیکی به شبهه است. ضمانت اجرای تخلف از این شرط تنها بطلان نکاح نیست، بلکه چنانچه دو طرف یا یکی از آنها عالم به وجود رابطه زوجیت و حرمت نکاح باشند، ازدواج میان آن دو حرمت ابدی ایجاد می‌کند. ماده ۱۰۵۰

قانون مدنی در این باره تأکید داشته است: "هر کس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح ... برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می شود. (بیگدلی ۱۳۹۲، ۱۶).

عده زن: در عده بودن زن یکی از موانع نکاح به شمار می آید. بنابر تعریف ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی ایران "عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند".

کفر: کفر عبارت است از ناپاوری به اسلام و به یکی از اصول اساسی اسلام از قبیل توحید، معاد و نبوت. قانون مدنی در ماده ۱۰۵۹ خود تحت عنوان "نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست" آن را از موانع نکاح ذکر کرده است. به موجب ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی زن مسلمان نمی تواند با مرد کافر نکاح کند. از لحن این ماده به خوبی بر می آید مقصود قانونگذار جلوگیری زن مسلم با مرد غیر مسلم بوده است.

پس باید پذیرفت نکاح زن مسلمان با غیر مسلمان باطل است و اگر شوهر در خلال نکاح کافر شود عقد ازدواج خود بخود منحل خواهد شد. همچنین است در موردی که زن کافر اسلام آورد و شوهر در کفر باقی بماند.

۳- نکاح با خارجیان

الف- نکاح مرد ایرانی با زن خارجی - نکاح مرد ایرانی با زن خارجی مجاز است، مگر در مواردی که دولت ازدواج بعضی از مستخدمین و مامورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید. (ماده ۱۰۶۱). بموجب مواد ۱ و ۲ تصویب نامه مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۱۰، ازدواج اعضای رسمی وزارت خارجه موکول به اجازه کتبی وزارت خارجه شده بود. این ازدواج در صورت تحصیل اجازه از وزارتخانه متبوع نافذ بوده و امکان ادامه کار عضو را در وزارت خارجه فراهم می ساخت. قانون مصوب اول بهمن ۱۳۴۵ این نکاح را به کلی منع کرده و مقرر داشت: "از این تاریخ ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه یا کسانی که قبلاً بر اثر ازدواج به تابعیت ایران در آمده اند ممنوع است. کارمندان متخلف صلاحیت ادامه خدمت را در وزارت امور خارجه نخواهند داشت...". به طوریکه از مفاد این ماده بر می آید، نکاح با زن خارجی باطل نیست بلکه امکان ادامه خدمت کارمند متخلف را در وزارت خارجه منتفی می سازد.

ب- نکاح زن ایرانی با مرد خارجی - به موجب ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: "ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه، در مواردی هم که مانع قانونی وجود ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. " بنا براین هرگاه زن ایرانی بخواهد با مرد خارجی ازدواج کند و از جهت اختلاف مذهب و قرابت و مانند اینها، هیچ مانعی در بین نباشد، باز هم نکاح منوط به اجازه دولت ایران است. تصویب نامه مورخ ۵۴/۷/۶ صلاحیت وزارت کشور را در صدور پروانه اجازه زناشویی زنان ایرانی با اتباع بیگانه تأیید کرد. و ماده ۴ آن به وزارت کشور این اجازه را داد که به جای صدور پروانه زناشویی به استانداریها و فرمانداریهای کل و هم چنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارج اختیار دهد تا آنرا در محل صادر کنند و مراتب را به ثبت احوال اعلام دارند.

۴- لعان: لعان مصدر باب مفاعله به معنی ناسزا گفتن است. "لعن" یعنی ناسزا گفتن - طرد کردن - دور داشتن از خیر و نیکی و در اصطلاح فقهی عبارت است از ملاعنه مخصوصی که هریک از زن و مرد برای ازاله حد قذف یا اثبات نفی ولد با تشریفات مخصوص با دیگری انجام می دهد.

الف- نسبت زنا دادن به زن محصه: هرگاه مردی مدعی گردد که همسر دائمی وی با مرد دیگری مرتکب زنا شده است و تنها خودش شاهد آن بوده، می تواند از طریق اجرای تشریفات لعان از زن خود جدا شود.

انکار ولد: موردی که مرد فرزند خود را که طبق قانون به وی ملحق شده است، منکر شود، از موارد لعان است، یعنی بچه ای که در زمان زوجیت و در کم تر از شش ماه و بیشتر از ده ما متولد شده باشد، ادعا کند که فرزند او نیست. برای اجرای لعان باید زوج و زوجه در محضر حاکم شرع حاضر باشند و تشریفات لعان را در نزد او اجرا نمایند.

۵- احرام: احرام نیز یکی از موانع نکاح است که قانون مدنی از فقه اقتباس کرده است. احرام حالتی است که زائر خانه خدا با انجام تشریفات مذهبی و پوشیدن لباس خاصی که نشانه اعمال مراسم حج است پیدا می کند و او را در این حالت محرم می گویند. طبق ماده ۱۰۵۳ ق.م.ع: "عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب موجب حرمت ابدی است."

عقدی که در حال احرام واقع شود اگر جاهلانه منعقد گردد باطل است ولی موجب حرمت ابدی نمی باشد و محرم پس از خروج می تواند آن زوج را مجدداً با عقد نکاح به همسری بگزیند، خواه در نکاح عمل نزدیکی واقع شده باشد، خواه نشده باشد. ولی نکاح در حال احرام که عالماً واقع شود باطل و موجب حرمت ابدی است. مستفاد از ماده این است که اگر محرم علم به حرمت نکاح داشته باشد، آن زن بر او حرام مؤبد می گردد اگرچه نزدیکی واقع نشده باشد.

۶- ممنوعیت خواستگاری از دختری که در مذاکره با خواستگار دیگری است

دختری که خواستگاری می‌شود نباید موردخواستگاری فرد دیگری باشد. سوال این است که آیا این ممنوعیت جنبه قانونی هم دارد یا تنها یک منع شرعی و اخلاقی است؟ در این خصوص باید گفت خواستگاری زنی که دیگری از او خواستگاری کرده است حرام است اما به نظر نمی‌رسد که اگر منتهی به وصلت شود عملی غیرقانونی رخ داده باشد.

البته اگر خواستگار از او صرف نظر کند یا اذن خواستگاری دهد قطعاً مانعی در این راه نخواهد بود زیرا به گفته پیامبر (ص) این کار ورود در معامله دیگری است و ورود در آن پیش از برهم زدن نامزدی نهی شده است همچنین از آنجا که نهی، ظهور در حرمت دارد، نظر معتبر فقیهان امامیه حرمت این خواستگاری است. فقیهان عامه نیز در این باره اتفاق نظر دارند. به علاوه اضرار به دیگری و تجاوز به حق خواستگار، از نظر اخلاقی نیز ممنوع است.

فلسفه حرمت ازدواج همزمان با دو خواهر

در شرع مقدس اسلام ازدواج، هم زمان با دو خواهر جایز نیست. لازم به ذکر است اگر ازدواج با دو خواهر یا بیشتر به صورت جمع؛ یعنی در یک زمان نباشد، اشکال ندارد. به بیانی دیگر هرگاه مردی زنی را برای خود عقد کند، تا وقتی که زن در عقد اوست، نمی‌تواند با خواهر وی ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت. حتی بعد از طلاق تا وقتی که در عده است (در صورتی که عده رجعی باشد) نمی‌تواند خواهر او را بگیرد، اما هنگامی که همسرش را طلاق داد، یا از دنیا رفت و عده او تمام شد، می‌تواند با خواهر وی ازدواج کند.

شاید حکمت و فلسفه ی این که اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، چنان که در ازدواج با دختر برادر زن و دختر خواهر زن رضایت و اجازه زن را شرط دانسته است.

ثانیاً: دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه ی شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی‌توانند علاقه ی گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آن‌ها پیدا می‌شود که برای زندگی زیان بار است و اساس خانواده را از هم می‌پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه ی محبت و رقابت در وجود آن‌ها در کشمکش است.

ثالثاً: ازدواج با شوهر خواهر با طبع زنان که شوهر خواهر را از خود می‌دانند و با آنان احساس خویشاوندی می‌کنند، سازگار نیست.

اگر چه در جای خود ثابت شده است که احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد وضع شده اند، ولی کشف مصالح و مفاسد در جزئیات و مصادیق، بسیار مشکل است.

زیرا اولاً: نیازمند داشتن امکانات وسیع، در ابعاد مختلف علمی است.

ثانیاً: بشر هر قدر از نظر علم و صنعت پیشرفت کند، باز معلومات او در برابر مجهولاتش، قطره ای است در برابر دریا "جز اندکی از دانش به شما داده نشده است."

و شاید علت بیان نکردن فلسفه ی تمام احکام، از سوی اولیای دین، این بوده که بیان تمام اسرار احکام برای انسان هایی که بسیاری از حقایق علمی هنوز برایشان کشف نشده، مانند گفتن معما ست که چه بسا موجب تنفر شنوندگان می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: "مردم، دشمن آن چیزی هستند که نمی‌دانند، لذا اولیای الهی در حد فهم انسان ها به بعضی از علت ها و فلسفه ی احکام اشاره نموده اند.

وانگهی هدف از دین و شریعت، آراستگی انسان ها به خوبی های علمی و عملی، و اجتناب از زشتی های فکری و عملی است، و این هدف با عمل به شریعت به دست می‌آید، و لو این که افراد فلسفه و علت احکام را ندانند، نظیر این که مریض با انجام دادن دستورات پزشک، بهبودی را به دست می‌آورد ولو فایده و فلسفه ی، دارو و دستورات پزشکی را نداند.

مضافاً این که مؤمنان چون اطمینان و یقین دارند به این که دستورات دینی، از کسانی صادر می‌شود که علم و آگاهی آنان خطاناپذیر است، پس یقین به اثربخشی و مفید بودن این دستورات دارند.

در مباحث اصول استنباط احکام شرعی، چنین آمده است: احکام فقهی از جهت حرام و حلال بودن، وابسته به اعتبار شارع است و تکوینی نمی‌باشند؛ البته احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد می‌باشند؛ با این تفاوت که برخی مصالح و مفاسد، به حسن و قبح عقلی متکی هستند و یا همیشگی و ذاتی می‌باشند؛ مانند حرمت شرب خمر و یا قتل بی گناه که مفسده آنها همیشگی و ذاتی است و برخی مصالح و مفاسد، وابسته به زمان و مکان و یا شرط خاص هستند؛ مانند صید در روزهای شنبه که برای بنی اسرائیل حرام شده بود؛ اما در دوران قبل و بعد از آن، حرام نبود. (محمودی ۱۳۸۷، ۶۱).

این گونه موارد، اعتباری و متغیر هستند و از ابتدای آفرینش انسان ها، نمونه هایی وجود داشته، چنان که درباره ازدواج هابیل و قابیل با خواهرانشان، از امام سجاده علیه السلام نقل شده که آن حضرت در ضمن گفتاری به مردی قریشی، جریان ازدواج هابیل را

با بلوزا، خواهر قابیل و نیز ازدواج قابیل را با اقلیما خواهر هابیل شرح داد به او فرمود: این مطلب را انکار مکن؛ چه آن که روش الهی بر این جاری شده است؛ مگر نه این است که خداوند، همسر حضرت آدم علیه السلام را از خود او آفرید و سپس برای او حلالش کرد.

علامه طباطبایی در شرح این نظر می گوید: حکم ازدواج، یک حکم تشریحی و تابع مصالح و مفاسد است و حکمی تکوینی نیست که قابل تغییر نباشد و زمام چنین حکمی، به دست خداست. از این رو، ممکن است روزی به خاطر ضرورت، از جانب خدا، حلال گردد. در جامعه آن روز که فقط چند خواهر و برادر بودند، با در نظر گرفتن مشیت خداوند، عنوان فحشا صدق نخواهد کرد؛ حال چه اشکالی دارد که به طور موقت و به خاطر ضرورت، این گونه ازدواج ها، برای گروهی مباح باشد. ازدواج همزمان با دو خواهر نیز از این گونه موارد است که قبل از اسلام رایج بود و در زمان حضرت یعقوب نیز جاری بوده است؛^۶ اما با ظهور اسلام به عنوان کامل ترین شریعت و پس از نزول آیه ۲۳ سوره نساء، چنین ازدواجی تحریم شد و این موضوع، دلیلی بر تکامل شرایع الهی است که با اسلام، به آخرین مرحله تکامل می رسند و از این جهت، دستورات اسلام، تا هنگام قیامت، جریان خواهند داشت.

حکم ازدواج همزمان با دو خواهر

ازدواج با خواهر زن و "هم زمان به همسری داشتن دو خواهر" که از آن به "جمع بین الاختین" تعبیر می شود، از موضوعاتی است که خداوند متعال در قرآن کریم حکم آن را به صراحت بیان داشته است. آن جا که در آیه ۲۳ سوره نساء می فرماید: «وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ» این مورد آخرین مورد از مواردی است که در این آیه از حرمت ازدواج با آن ها سخن گفته و آن را همانند ازدواج با مادر و دختر انسان حرام دانسته است. در این کریمه شریفه چنین آمده است:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا .

یعنی: حرام شده است برای شما ازدواج با مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختر برادر و دختر خواهر و مادرانتان که به شما شیر داده‌اند (مادر رضاعی) و خواهران رضاعی و مادران زنان شما و ربیب‌های شما که در دامن شما تربیت شده‌اند از زنان که با آنان همبستر شده‌اید، و اگر با زن‌هایتان همبستر نشده باشید بر شما باکی نیست که (بعد از طلاق دادن زن) با دختر او ازدواج نمایید. و نیز بر شما حرام شده است ازدواج با زنان فرزندان شما که از صلب شما هستند. حرام شده است جمع نمودن بیت دو خواهر مگر آنچه که به تحقیق در زمان گذشته بوده است (و مربوط به قبل از نزول این حکم است و خداوند از آن درگذشت زیرا که) خداوند بخشنده و مهربان است.

بر همین اساس است که امام خمینی ره در کتاب تحریرالوسیله در این باره چنین فتوا داده است:

مسأله ۱۵ لا يجوز الجمع فی النکاح بین الاختین نسبیّین أو رضاعیّین دواما أو انقطاعا أو بالاختلاف، فلو تزوج بإحدى الاختین ثم تزوج بأخری بطل العقد الثانی دون الأول، سواء دخل بالأولی أولاً، و لو اقترن عقدهما بأن تزوجهما بعقد واحد أو فی زمان واحد بطلا معا.

بنابراین:

بین دو خواهر جمع کردن در ازدواج جایز نبوده و به هر حال حرام و باطل است، نسبی باشند آن دو خواهر یا رضاعی؛ در ازدواج دایم باشد یا منقطع و یا مختلف؛ آن ها را در یک شهر سکنی دهد یا در دو شهر مختلف؛ پس اگر با یکی از دو خواهر ازدواج نموده باشد و پس از آن با خواهر دیگر ازدواج کند عقد دومی باطل است نه اولی، چه به اولی دخول کرده باشد یا نه. و اگر عقد آن ها مقارن هم شود، به این که آن ها را با یک عقد یا در یک زمان، عقد نماید، هر دو با هم باطل می‌باشند.

به همین جهت است که در اسلام تنها در مواردی مانند فوت همسر یا طلاق دادن همسر دایم و اتمام یا بخشش مدت نکاح موقت و سپری شدن عده زن، ازدواج با خواهر او جایز و صحیح است. شاید حکمت و فلسفه این که اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، چنان که در ازدواج با دختر برادر زن و دختر خواهر زن رضایت و اجازه زن را شرط دانسته است. دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی‌توانند علاقه گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آن ها پیدا می‌شود که برای زندگی زیان بار است و اساس خانواده را از هم می‌پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه محبت و رقابت در وجود آن ها در کشمکش است. ازدواج با شوهر خواهر با طبع زنان که شوهر خواهر را از خود می‌دانند و با آنان احساس خویشاوندی می‌کنند، سازگار نیست.

ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی چنین بیان می‌کند: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد». در مواد قبلی در باب ازدواج‌های ممنوع به بررسی افرادی که ازدواج با آنها باطل است، پرداختیم. در این خصوص، خویشاوندان سببی، نسبی و رضاعی که ازدواج با آنها باطل است را برشمردیم. این ماده اختصاص دارد به تبیین شرایط ازدواج با خواهر زن. همان‌طور که از ظاهر این ماده مشخص است ازدواج با خواهر زن، حال ازدواج تحت هر شکل و نوعی که انجام گرفته باشد، باطل و ممنوع است. در این ماده که به ادامه بیان بخش دیگری از کسانی که ازدواج با آنها حرام و باطل است، می‌پردازد؛ اشاره دارد به این اصل که ازدواج مرد با خواهر زن خود مادامی که خواهر او همسرش هست (این مسأله به جمع بین‌الاختین معروف است) حرام است. حال چه این عقد دائم باشد چه غیردائم و به هر نحو و شرایطی. شرط همزمانی موضوع مهمی است که در این ماده باید به آن توجه شود. این مسأله و حرمت چنین ازدواجی در قرآن نیز در آیه ۲۳ سوره نساء صراحتاً بیان شده است و ازدواج با خواهر زن مانند ازدواج با مادر و خواهر خود مرد، حرام و باطل دانسته شده است. چه در شرایطی که آن دو خواهر نسبی باشند یا دو خواهر رضاعی؛ چه ازدواج دائم باشد یا منقطع و غیردائم.

با این تفاسیر طبق این ماده از قانون، وقتی مردی با زنی ازدواج از هر قسم داشته باشد و همسرش خواهری داشته باشد مرد به هیچ وجه اجازه ازدواج با خواهر همسر خود را ندارد و در صورت چنین اقدامی، ازدواج دوم باطل است. در این صورت فقط در شرایطی مرد می‌تواند با خواهر همسر خود ازدواج کند که شرایط فوق برقرار نباشد به عبارتی؛ یعنی در مواردی از قبیل فوت همسر یا طلاق دادن همسر یا اتمام یا بخشش مدت نکاح موقت و سپری شدن عده زن، که در چنین شرایطی مرد چون از ازدواج با همسرش خارج می‌شود می‌تواند با خواهر همسر سابق خود ازدواج کند و این ازدواج صحیح است.

رویکرد فقها به مسأله جمع دو خواهر در ازدواج

ازدواج از سنت‌های اصیل و پر ارزش اجتماعی است که همواره و تا آنجا که تاریخ بشر حکایت میکند در جامعه‌های انسانی به شیوه‌های گوناگون وجود داشته است و تقریباً همه جوامع به جز تعداد کمی ازدواج با محارم را تقبیح کرده است و ناپسند دانسته‌اند. بر اساس دین اسلام، محارم به سه قسم سببی، نسبی، و رضاعی تقسیم میشوند. افزون بر تصریح قرآن کریم (نساء، ۲۳) و روایات و اجماع فقیهان، حکمت‌های متعددی برای حرمت ازدواج با محارم ذکر شده است. برخی از این حکمت‌ها در هر سه قسم و برخی در بعضی از آنها جاری است. برخی حکمت‌های حرمت ازدواج با محارم به قرار ذیل است: ازدواج با محارم، خلاف فطرت است و در طول تاریخ، بشر از آن دوری جسته است. تنها زرتشتیان (به صورت مقطعی) به این مسأله در گذشته روی آورده‌اند و از همینرو، مورد اعتراض دیگران، حتی غریبها قرار گرفته‌اند به طوری که زرتشتیها نیز در حال حاضر از آن اجتناب میکنند. جلوگیری از فحشا و گسترش آن در جامعه یکی از حکمت‌های تحریم این است که در خانواده، معمولاً مردان، با محارم سر و کار دارند و با آنان نشست و برخاست میکنند. این اختلاط ممکن است ذهن انسان را منحرف و او را به سوی امیال حیوانی سوق دهد. لذا اسلام در محارم بر خلاف زنان غیر محرم، تنها به حرمت زنا اکتفا نکرده است و افزون بر آن ازدواج با آنان را حرام دانسته تا انسان چشم طمع را برای رسیدن به آنان بسته، امیال حیوانی را در خود به کلی بمیراند. (ضیایی ۱۳۸۷، ۵۴).

علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ المیزان ذیل آیه ۲۲ حکمت یاد شده را مطرح، و بر آن تاکید میکنند. بخشی از عبارات ایشان چنین است: «... طوایفی که ازدواج با آنان حرام شده ... ملاک در حرمت ازدواجشان تنها سد باب زنا است، زیرا انسان از این نظر که فردی از مجتمع خانواده است بیشتر تماس و سر و کارش با همین عده است و اگر ازدواج با اینان تحریم نشده بود، کدام پهلوانی بود که بتواند خود را از زنا با آنان نگه دارد (طباطبایی ۱۴۱۰، ۵۷).

جلوگیری از گسست بنیان خانواده‌ها در میان محارم جاذبه و کشش جنسی به طور معمول وجود ندارد، زیرا محارم غالباً با هم بزرگ میشوند و برای یکدیگر یک موجود عادی و معمولی هستند، موارد نادر و استثنایی نمیتواند مقیاس قوانین عمومی و کلی گردد. و میدانیم که جاذبه جنسی، شرط استحکام پیوند زناشویی است، بنابراین اگر ازدواجی در میان محارم صورت گیرد، ناپایدار و سست خواهد بود. جلوگیری از تشدید بیماریهای ارثیامروزه ثابت شده است که ازدواج افراد همخون با یکدیگر خطرات فراوانی دارد، یعنی بیماری نهفته و ارثی را آشکار و تشدید میکند، حتی برخی دانشمندان، گذشته از محارم، ازدواج با خویشان نسبتاً دورتر مانند عموزاده‌ها را با یکدیگر تجویز نمیکنند و معتقدند خطرات بیماریهای ارثی را تشدید مینماید. بدیهی است که این مسأله در خویشان نزدیک که همخونی شدیدتری دارند، مشکل‌زاتر است.

آیت‌الله سیستانی می‌فرماید: «جمع بین دو خواهر در ازدواج جایز نیست، ولی پس از فوت زن اول یا طلاق دادن و انقضاء عده رجعی، می‌تواند با خواهر او ازدواج کند.» و در تشریح علت این حکم توضیح می‌دهند: «خداوند در قرآن مجید سوره نساء آیه ۲۳، نسبت به حرمت جمع بین دو خواهر می‌فرماید: «حرمت علیکم امهاتکم... و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف»، و در

توضیح صورت ممکن مسئله می‌فرمایند: «بعد از طلاق همسر خود و گذشت عده او در طلاق رجعی، می‌تواند با خواهر او ازدواج دایم یا موقت بکند و قبل از آن جایز نیست و عقد باطل است. (سیستانی ۱۴۱۶، ۵۴).

در مباحث اصول استنباط احکام شرعی، چنین آمده است: احکام فقهی از جهت حرام و حلال بودن، وابسته به اعتبار شارع است و تکوینی نمی‌باشند؛ البته احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد می‌باشند؛ با این تفاوت که برخی مصالح و مفاسد، به حسن و قبح عقلی متکی هستند و یا همیشگی و ذاتی می‌باشند؛ مانند حرمت شرب خمر و یا قتل بی‌گناه که مفاسد آنها همیشگی و ذاتی است و برخی مصالح و مفاسد، وابسته به زمان و مکان و یا شرط خاص هستند؛ مانند صید در روزهای شنبه که برای بنی اسرائیل حرام شده بود؛ اما در دوران قبل و بعد از آن، حرام نبود.

این گونه موارد، اعتباری و متغیر هستند و از ابتدای آفرینش انسان‌ها، نمونه‌هایی وجود داشته، چنان که درباره ازدواج هابیل و قابیل با خواهرانشان، از امام سجاده‌علیه السلام نقل شده که آن حضرت در ضمن گفتاری به مردی قریشی، جریان ازدواج هابیل را با بلوزا، خواهر قابیل و نیز ازدواج قابیل را با اقلیما خواهر هابیل شرح داد به او فرمود: این مطلب را انکار مکن؛ چه آن که روش الهی بر این جاری شده است؛ مگر نه این است که خداوند، همسر حضرت آدم علیه السلام را از خود او آفرید و سپس برای او حلالش کرد.

علامه طباطبایی در شرح این نظر می‌گوید: حکم ازدواج، یک حکم تشریعی و تابع مصالح و مفاسد است و حکمی تکوینی نیست که قابل تغییر نباشد و زمام چنین حکمی، به دست خداست. از این رو، ممکن است روزی به خاطر ضرورت، از جانب خدا، حلال گردد. در جامعه آن روز که فقط چند خواهر و برادر بودند، با در نظر گرفتن مشیت خداوند، عنوان فحشا صدق نخواهد کرد؛ حال چه اشکالی دارد که به طور موقت و به خاطر ضرورت، این گونه ازدواج‌ها، برای گروهی مباح باشد. (طباطبایی ۱۳۶۳، ۶۹).

ازدواج هم‌زمان با دو خواهر نیز از این گونه موارد است که قبل از اسلام رایج بود و در زمان حضرت یعقوب نیز جاری بوده است؛ اما با ظهور اسلام به عنوان کامل‌ترین شریعت و پس از نزول آیه ۲۳ سوره نساء، چنین ازدواجی تحریم شد و این موضوع، دلیلی بر تکامل شرایع الهی است که با اسلام، به آخرین مرحله تکامل می‌رسند و از این جهت، دستورات اسلام، تا هنگام قیامت، جریان خواهند داشت.

در شرع مقدس اسلام ازدواج، هم‌زمان با دو خواهر جایز نیست. لازم به ذکر است اگر ازدواج با دو خواهر یا بیشتر به صورت جمع؛ یعنی در یک زمان نباشد، اشکال ندارد. به بیانی دیگر هرگاه مردی زنی را برای خود عقد کند، تا وقتی که زن در عقد اوست، نمی‌تواند با خواهر وی ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت. حتی بعد از طلاق تا وقتی که در عده است (در صورتی که عده رجعی باشد) نمی‌تواند خواهر او را بگیرد، اما هنگامی که همسرش را طلاق داد، یا از دنیا رفت و عده او تمام شد، می‌تواند با خواهر وی ازدواج کند.

شاید حکمت و فلسفه‌ی این که اسلام از ازدواج هم‌زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، چنان که در ازدواج با دختر برادر زن و دختر خواهر زن رضایت و اجازه زن را شرط دانسته است. ثانیاً: دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه‌ی شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی‌توانند علاقه‌ی گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آنها پیدا می‌شود که برای زندگی زیان‌بار است و اساس خانواده را از هم می‌پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه‌ی محبت و رقابت در وجود آنها در کشمکش است. ثالثاً: ازدواج با شوهر خواهر با طبع زنان که شوهر خواهر را از خود می‌دانند و با آنان احساس خویشاوندی می‌کنند، سازگار نیست.

در پایان تذکر این نکته ضروری است که اگر چه در جای خود ثابت شده است که احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد وضع شده‌اند، ولی کشف مصالح و مفاسد در جزئیات و مصادیق، بسیار مشکل است.

زیرا اولاً: نیازمند داشتن امکانات وسیع، در ابعاد مختلف علمی است.

ثانیاً: بشر هر قدر از نظر علم و صنعت پیشرفت کند، باز معلومات او در برابر مجهولاتش، قطره‌ای است در برابر دریا "جز اندکی از دانش به شما داده نشده است."

و شاید علت بیان نکردن فلسفه‌ی تمام احکام، از سوی اولیای دین، این بوده که بیان تمام اسرار احکام برای انسان‌هایی که بسیاری از حقایق علمی هنوز برایشان کشف نشده، مانند گفتن معماست که چه بسا موجب تنفر شنوندگان می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: "مردم، دشمن آن چیزی هستند که نمی‌دانند لذا اولیای الهی در حد فهم انسان‌ها به بعضی از علت‌ها و فلسفه‌ی احکام اشاره نموده‌اند.

وانگهی هدف از دین و شریعت، آراستگی انسان ها به خوبی های علمی و عملی، و اجتناب از زشتی های فکری و عملی است، و این هدف با عمل به شریعت به دست می آید، و لو این که افراد فلسفه و علت احکام را ندانند، نظیر این که مریض با انجام دادن دستورات پزشک، بهبودی را به دست می آورد ولو فایده و فلسفه ی، دارو و دستورات پزشکی را نداند.

مضافاً این که مؤمنان چون اطمینان و یقین دارند به این که دستورات دینی، از کسانی صادر می شود که علم و آگاهی آنان خطاناپذیر است، پس یقین به اثربخشی و مفید بودن این دستورات دارند.

ممنوعیت ازدواج با خواهر زن در حقوق ایران

آن چه که از کلمه ی مجدد در نظر اول قابل استظهار است و می توان به عنوان قدر متقین از آن استنباط کرد اختیار همسر دوم است. اما در این جا بحثی که باید روشن شود این است که آیا در همه ی موارد اختیار همسر دوم، رعایت شرط عدالت از سوی مرد الزامی است یا در برخی موارد چنین شرطی ضرورت ندارد؟ برای این که بتوانیم پاسخ کامل و مناسب بدهیم لازم است که چند فرض را در این خصوص مطرح کنیم:

فرض اول - ازدواج بار اول مرد به دلایلی از جمله فوت همسر (زوجه)، طلاق، فسخ و منحل شود چنین شخصی قصد ازدواج مجدد را داشته باشد. بدیهی است احراز عدالت در این صورت مطرح نمی باشد و به عبارتی، در این فرض موضوع منتفی است و بی شک در منابع فقهی، فتاوی معتبر و قوانین موضوعه ی ایران، اساساً چنین شرطی وجود ندارد. پس بنا بر این، این فرض مورد بحث نخواهد بود.

فرض دوم - مرد با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند اما در شرایط خاص و مواردی که قانون اجازه داده است، مانند موارد ماده ی ۱۶ قانون حمایت خانواده ی مصوب ۱۳۵۳ و یا در مواردی که عیوب در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد شد با وجود این، مرد از این حق استفاده نمی کند (این حق را اعمال نمی کند) و به ادامه ی زندگی با چنین زوجه ای رضایت می دهد، مانند موارد ماده ی ۱۱۲۳ ق.م. که در عین حال با عدم انحلال ازدواج اول همسر دوم اختیار می نماید.

سؤالی که در این جا می تواند مطرح باشد این است که آیا شرط عدالت در این موارد هم لازم و ضروری است یا خیر؟ البته بنا بر یک نظر، با استناد به اطلاق ضرورت شرط عدالت برای ازدواج مجدد و بنا بر نظر دیگر، رعایت مصلحت فردی و اجتماعی و تفسیر مضیق شرط عدالت دو نظریه قابل طرح است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. اما آن چه مسلم به نظر می رسد، این فرض، از موارد ازدواج مجدد تلقی می شود.

فرض سوم - مرد با داشتن زن و بدون ضرورت و به صرف تنوع طلبی و تفتن اقدام به انتخاب همسر دیگر نماید. بدیهی است این فرض از مصادیق کامل ازدواج مجدد محسوب خواهد شد.

۲. آیا ازدواج مجدد، تعدد زوجات دائم تا چهار زن ۱۲ را شامل می شود یا تنها شامل همسر دوم است؟ از جهت ظهور لغوی، کلمه ی مجدد هر ازدواجی به جز ازدواج اول را در بر می گیرد که در این صورت، ازدواج دوم، سوم و چهارم مشمول ازدواج مجدد خواهد بود و دلیلی بر انصراف کلمه ی مجدد به ازدواج دوم قابل استناد نیست. اما از جهت قوانین موضوعه، در قانون مدنی مواد ۹۰۰، ۹۰۱ و ۹۴۲ وجود دارد که به طور کلی دلالت دارد بر این که مرد می تواند زنان متعدد بگیرد و از جمله ماده ی ۹۴۲ قانون مدنی که مقرر داشته است: «در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه ی آنان بالسویه تقسیم می شود». در این ماده، علاوه بر این که کلمه ی «زوجات» در صیغه ی جمع دلالت بر حداقل سه دارد، با توجه به فقه اسلامی منظور از تعدد زوجات، اختیار زوجات دائم تا چهار زن می باشد. لذا در حقوق ایران قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶، داشتن همسران متعدد در صورتی که از چهار زن تجاوز نمی کرد جایز بود و قانون مدنی نه تنها از قدرت و توانایی مالی و جسمی مرد سخنی نگفته بود حتی شرط عدالت از سوی مرد و احراز آن را با سکوت به دست فراموشی سپرده بود و در یک کلام، از نظر حقوقی گویا هیچ شرط و مانعی برای ازدواج های مکرر و متعدد جز استیفای عدد ۱۳ وجود نداشت که آن هم در قانون مدنی به طور صریح ذکر نشده بود. اما با توجه به حقوق اسلامی و عرف و عادت مسلم که مبتنی بر آن است در محدود بودن تعداد زوجات دائم به چهار زن جای هیچ گونه شکی نبود. در حقوق ایران در چند دهه ی اخیر درباره ی اختیار مرد مبنی بر ازدواج با زنان متعدد تحولات گوناگون به وقوع پیوسته است. در یک نگاه اجمالی می توان به این نتیجه رسید که تغییر قوانین همیشه در جهت محدود ساختن چنین اختیاری بوده و علاوه بر گرایش رویه ی قضایی دادگاه ها به این سو، اخلاق عمومی نیز در این دگرگونی با قوانین هماهنگ بوده است. از جمله می توان اجازه ی دادگاه را در خصوص انتخاب همسر دوم با داشتن همسر اول، در قانون حمایت خانواده ی مصوب ۱۳۴۶ نخستین گام در جهت محدود کردن اختیار مرد نسبت به نکاح با زنان متعدد تلقی نمود. چنان چه ماده ی ۱۴ قانون یاد شده مقرر می داشت: «هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری را اختیار نماید، باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه ی اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و

در صورت امکان تحقیق از زن فعلی، توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ محکوم خواهد شد. البته این ماده تعدد زوجات را منع نکرد و نمی توانست با توجه به حقوق اسلام چنین منعی را مقرر بدارد بلکه با شرط تحصیل اجازه از دادگاه و احراز توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت و از طرفی تعیین مجازات برای شخص متخلف، به طور غیر مستقیم و در عمل جهت محدود کردن اختیار مرد نسبت به ازدواج های متعدد گام برداشته بود. این ماده را نباید مغایر قوانین شرع تلقی نمود بلکه صرفاً احراز شرایط ازدواج مجدد توسط دادگاه و در واقع یک نوع نظارت قضایی را برای اجرای عدالت پیش بینی نمود. همچنین در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مقررات تازه ای در جهت محدودیت سازی تعدد زوجات دیده می شود. از جمله این که ماده ی ۱۶ این قانون مقرر می دارد: «مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند، مگر در موارد زیر: ۱- رضایت همسر اول؛ ۲- ...» در این ماده، بر خلاف ماده ی ۱۴ قانون حمایت خانواده، موافقت همسر اول را شرط صدور اجازه ی ازدواج مجدد اعلام نمود که این امر در عمل می تواند مانعی برای اختیارات نامحدود مرد نسبت به نکاح مجدد تلقی نمود و نکته ی قابل استفاده از این ماده، جمله ی آغازین آن می باشد که به جای عبارت «همسر دیگری» در ماده ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، که ظهور در تعدد زوجات داشت، «همسر دوم آورده است» و از ظاهر آن چنین بر می آید که این قانون بر خلاف قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، می خواهد تعدد زوجات را به دو همسر محدود کند و اجازه ندهد که مردان زنان سوم یا چهارم بگیرند. البته پس از اثبات ظهور ماده ی ۱۶ قانون فوق در این خصوص و احراز قصد قانون گذار، می توان این ایراد اساسی را مطرح کرد که تعدد زوجات را به همسر دوم محدود کردن مغایر با حقوق اسلام است و علاوه بر این ممکن است موارد ضروری و دلایل توجیه کننده ی ازدواج دوم، ازدواج های سوم و چهارم را نیز شامل شود که در جای خود باید از آن بحث کرد. بنابر این، با توجه به نکات اساسی که در این جا اشاره شد، ازدواج مجدد، تعدد زوجات دائم تا چهار زن را شامل می شود و به همین جهت، احراز عدالت مرد در ازدواج مجدد (به معنای ازدواج دوم) به طریق اولی در ازدواج های سوم و چهارم شرط لازم صدور اجازه چنین ازدواج هایی می باشد. بر این اساس، از آن جایی که تعدد زوجات از موارد ازدواج مجدد محسوب می شود در نتیجه در قلمروی موضوع تحقیق قرار خواهد گرفت.

شرط ازدواج با خواهر زن

کسی نمی تواند همزمان با دو یا چند خواهر ازدواج کند. لذا اگر مردی با زنی ازدواج نماید، تا زمانی که از وی جدا نشده نمی تواند با خواهرش ازدواج کند که البته در این مورد خواهر زن، محرم شرعی که ملزم به رعایت حجاب نیست، نخواهد بود. بلکه از این جهت نامحرم است. قابل ذکر است اگر مردی زنی را طلاق رجعی (طلاق که مرد می تواند باز زن را به ازدواج خود در آورد) دهد، چون در این نوع طلاق در عده قانونی (مدتی که زن پس از طلاق یا فوت شوهر نباید ازدواج کند)، زن همانند زوجه مرد فرض می شود، تا پایان عده، حق ازدواج با خواهر زن وجود ندارد ولی در سایر طلاق ها یا عده ی عقد موقت، می توان در ایام عده با خواهر زن ازدواج کرد.

نتیجه گیری

در شرع مقدس اسلام ازدواج، هم زمان با دو خواهر جایز نیست. لازم به ذکر است اگر ازدواج با دو خواهر یا بیشتر به صورت جمع؛ یعنی در یک زمان نباشد، اشکال ندارد. به بیانی دیگر هرگاه مردی زنی را برای خود عقد کند، تا وقتی که زن در عقد اوست، نمی تواند با خواهر وی ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت. حتی بعد از طلاق تا وقتی که در عده است (در صورتی که عده رجعی باشد) نمی تواند خواهر او را بگیرد، اما هنگامی که همسرش را طلاق داد، یا از دنیا رفت و عده او تمام شد، می تواند با خواهر وی ازدواج کند.

شاید حکمت و فلسفه ی این که اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، چنان که در ازدواج با دختر برادر زن و دختر خواهر زن رضایت و اجازه زن را شرط دانسته است. ثانیاً: دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه ی شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی توانند علاقه ی گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آنها پیدا می شود که برای زندگی زیان بار است و اساس خانواده را از هم می پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه ی محبت و رقابت در وجود آنها در کشمکش است.

ثالثاً: ازدواج با شوهر خواهر با طبع زنان که شوهر خواهر را از خود می دانند و با آنان احساس خویشاوندی می کنند، سازگار نیست.

ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی چنین بیان می کند: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد. در مواد قبلی در باب ازدواج های ممنوع به بررسی افرادی که ازدواج با آنها باطل است، پرداختیم. در این خصوص، خویشاوندان سببی، نسبی و رضاعی که ازدواج با آنها باطل است را برشمردیم. این ماده اختصاص دارد به تبیین شرایط ازدواج با خواهر زن. همان طور که از ظاهر این ماده مشخص است ازدواج با خواهر زن، حال ازدواج تحت هر شکل و نوعی که انجام گرفته باشد، باطل و ممنوع است. در این ماده که به ادامه بیان بخش دیگری از کسانی که ازدواج با آنها حرام و باطل است، می پردازد؛ اشاره دارد به این اصل که ازدواج مرد با خواهر زن خود مادامی که خواهر او همسرش هست (این مسأله به جمع بین الاختین معروف است) حرام است. حال چه این عقد دائم باشد چه غیردائم و به هر نحو و شرایطی. شرط همزمانی موضوع مهمی است که در این ماده باید به آن توجه شود. این مسأله و حرمت چنین ازدواجی در قرآن نیز در آیه ۲۳ سوره نساء صراحتاً بیان شده است و ازدواج با خواهر زن مانند ازدواج با مادر و خواهر خود مرد، حرام و باطل دانسته شده است. چه در شرایطی که آن دو خواهر نسبی باشند یا دو خواهر رضاعی؛ چه ازدواج دائم باشد یا منقطع و غیردائم.

منابع و مراجع

- قرآن کریم.
- بیگدلی، حسین. ۱۳۹۲. حقوق مدنی، جلد چهارم، انتشارات اسلامیة .
- حبیبی تبار، جواد. ۱۳۸۳. حقوق خانواده، قم: گام به گام.
- زرگرنژاد، شهرام. ۱۳۸۹. نفقه و ماهیت حقوقی آن، تهران: خرسندی.
- سیستانی، سیدعلی. ۱۴۱۶. رساله ای در قاعده الزام، قم: بوستان کتاب
- ضیایی، سیدحسن. ۱۳۸۷. حقوق خانواده، تهران: شمیم.
- طباطبائی، سید محمد کاظم. ۱۴۱۰. العروة الوثقی، تهران: المكتبة العلمیه الاسلامیه، چاپ سوم.
- طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۳۶۳. تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- محمدی، محمدرضا. ۱۳۸۷. مهریه، تهران: بهنامی.